



کاپیتولاسیون؛

حق توحش امریکا از ملت ایران!

فاطمه صوفی آبادی

دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است؛ از امریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست. دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند؛ امروز به چنگال امریکا و عمال آن. امریکاست که از اسرائیل و هواداران آن پشتیبانی می‌کند. امریکاست که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلم را آواره کند. امریکاست که وکلای، یا بی‌واسطه یا با واسطه، بر ملت ایران تحمیل می‌کند. امریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آنها

را از جلو خود بردارد. امریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آنها را به حبس و زجر و اهانت بکشد. امریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب‌نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند، تصویب و اجرا کنند. امریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می‌نماید.

امام خمینی (س)

◆ کاپیتولاسیون در ایران؛ کارنامه خودباختگی مدعیان میهن‌پرستی

کاپیتولاسیون در روابط بین‌الملل شامل معاهداتی می‌شود که به موجب آن کشوری بیگانه در مملکتی دیگر برای اتباع خود از بعضی حقوق و امتیازات - که مهم‌ترین آن حق قضاوت کنسولی و اجرای مجازات است - برخوردار می‌شود؛ به طوری که اتباع آن از پاره‌ای مزایای اختصاصی بهره‌مند می‌شوند. این امر، در ظاهر مقرر داشتن یک حق برای بیگانگان است، اما در باطن نوعی استعمار می‌باشد. به حق قضاوت کنسولی یک دولت در کشور دیگر، حق برون‌مرزی یا کاپیتولاسیون گفته می‌شود؛ چون طبق این حق، قوانین دولت خارجی توسط کنسول خود آن کشور در محل اجرا می‌شود.

کاپیتولاسیون معاهده‌ای است که به موجب آن هر گاه یکی از اتباع کشوری وارد کشور دیگری شود آن شخص تحت حوزه قضایی کشور خود بوده و اعمال قضاوت از طریق کنسول‌های محلی صورت می‌پذیرد. این معاهدات عموماً بین کشورهای اروپایی از یکسو و کشورهای آسیایی و افریقایی از سوی دیگر منعقد می‌شود. توجه این امر از سوی کشورهای اروپایی بدین ترتیب است که چون مؤسسات و سازمان‌های آن کشور در این کشورها دقیقاً مورد حمایت واقع نمی‌شود به ادعای آنان یک چنین تمهیداتی سازمان‌های آنان را حفظ می‌نماید.^۱

ریشه کاپیتولاسیون در ایران به عهدنامه ترکمنچای برمی‌گردد. البته پیش از آن در دوران صفویه، فرانسوی‌ها از حق کاپیتولاسیون بهره‌مند بودند؛ ولی به دلیل اجرای شرایط برابر برای دو کشور، این قانون در آن زمان تأثیرات منفی زیادی بر جای نگذاشت. «مقررات کاپیتولاسیون... در سال ۱۸۲۸ به موجب عهدنامه ترکمنچای از طرف دولت روسیه تزاری به ایران تحمیل شد و پس از آن انگلستان و سایر کشورهای اروپایی هم این امتیاز را برای خود قائل شدند»^۱

در فصل هشتم عهدنامه ترکمنچای آمده است اگر دو نفر روس با یکدیگر نزاع کنند و به قتل منجر شود موضوع به مراجع قضایی ایران مربوط نبوده و وزیر مختار یا کنسول روس در مورد آن قضاوت خواهد کرد. همچنین اگر بین یک گروه روس و یک ایرانی اختلاف و درگیری باشد و یا قتلی صورت گیرد؛ هیچ‌کس حق توقیف فرد روس را ندارد و وی در صورت متهم شناخته شدن توسط کنسول روس باید به روسیه اعزام شود تا در آنجا طبق قوانین آن کشور محاکمه شود. در بند دیگری از آن قرارداد آمده است که کشورهای دیگر نیز می‌توانند از این اصل استفاده کنند؛ لذا انگلیس، فرانسه، آمریکا و چند کشور دیگر نیز از این قانون استفاده کردند. به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، شوروی در سال ۱۹۲۰ قرارداد را به طور یکطرفه لغو کرد. «بعد از لغو قرارداد توسط شوروی بقیه کشورها هم شامل لغو قرارداد شدند. آمریکا آخرین کشوری بود که قرارداد را لغو کرد؛ حتی اعتراض هم کرد که قرارداد نباید لغو شود»^۲

۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶، وزارت خارجه ایران در اعلامیه‌ای لغو کاپیتولاسیون را در ایران اعلام کرد. این اعلامیه یک سال پس از تاجگذاری رضاشاه انتشار یافت و یک سال پس از انتشار، کلیه عهدنامه‌ها و قراردادهایی که در دوران قاجار، امتیازاتی را برای دولت‌های خارجی در نظر گرفته بود، باطل اعلام شد. به دنبال آن ابلاغیه‌هایی از طرف وزارت امور خارجه جدید به

۱. محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی (تهران: علم، ۱۳۷۲)، ص ۶۸۲.

۲. نشست تخصصی حق قضاوت کنسولی «کاپیتولاسیون» (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی،

۱۳۸۴)، ص ۱۲.

بعضی سفارتخانه‌های اروپایی از جمله آلمان، انگلستان، هلند، سوئیس و... ارسال شد و در آن ابلاغیه‌ها حقوق ویژه و مزایای سیاسی، اقتصادی و قضایی کشورهای متبوع آنها محترم شمرده شد. این نامه‌ها و موافقت‌ها نشان می‌داد که هدف رضاخان از اعلام لغو کاپیتولاسیون، صرفاً تبلیغ و جبهه ضد استعماری برای خود بود.

شاه به منظور عوام‌فریبی، لغو کاپیتولاسیون را از به اصطلاح شاهکارهای پدر خود برشمرد! و بارها در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خویش آن را از افتخارات دودمان پهلوی وانمود کرد! لیکن کیست که نداند یک عنصر بی‌اراده و دست‌نشانده هیچ‌گاه نمی‌تواند بر خلاف سیاست آنان گامی بردارد و اقدامی کند و اصولاً سیر نزولی رژیم کاپیتولاسیون در ایران از سال ۱۲۹۷ (پیش از کودتای انگلیسی سید ضیاء و به قدرت رسیدن رضاخان) آغاز شد و اگر کودتای یاد شده روی نمی‌داد و رضاخان، رجال برجسته و مردان وارسته ایرانی را به زندان و تبعید گسیل نمی‌داشت و سرنوشت کشور را به دست مشتی خودباخته و یا مزدور و سرسپرده قرار نمی‌داد، بی‌تردید رژیم سیاه کاپیتولاسیون تا سال ۱۳۰۷ به درازا کشیده نمی‌شد و در همان سال‌های پیش از سده ۱۳۰۰ پایان می‌پذیرفت.^۱

به دنبال لغو قرارداد از سوی ایران، مقامات کشور با ارسال پیام‌هایی به وزیر مختار انگلستان و سایر کشورها، دولت متبوع آنان را از آزادی اتباعشان آگاه کردند. امام در رابطه با عوام‌فریبی رضاشاه با لغو کاپیتولاسیون می‌گوید:

در زمان رضاشاه وقتی که «کاپیتولاسیون» به اصطلاح خودشان لغو شد - آن هم لغویتش حرف بود اما حالا لغو شد - چه بساطی درست کردند در تبلیغات که بله دیگر «علیحضرت» به آنجا رسیدند که لغو کردند کاپیتولاسیون را و چه کردند و فلان! مدت‌ها روزنامه‌ها و رادیو و بساط، جشن این را گرفتند که اعلیحضرت رضاشاه کاپیتولاسیون را لغو کرد! یک وقت آن‌طور هیاهو کردند و جشن گرفتند. آن روزی که

اعلیحضرت محمدرضا شاه، خلف صدق اعلیحضرت رضاشاه! آمد کاپیتولاسیون را برای اینها درست کرد، باز همین نزاع بلند شد که چه خدمت بزرگی کردند! این بیچاره مطبوعات، خوب اسیر سازمان امنیت بودند، باید بنویسند. آنها دیکته کنند اینها بنویسند که چه خدمت بزرگی! دیگر از این خدمت بزرگتر نمی‌شد که «اعلیحضرت» کردند! چه کردند؟ آنی که او لغو کرد، ایشان اثبات کردند!

قوام‌السلطنه عامل اصلی باز شدن پای امریکایی‌ها به ایران پس از جنگ جهانی دوم و واگذاری امتیازات قضایی و امنیتی به آنان بود. اولین دسته از نیروهای نظامی آمریکا در دوره نخست‌وزیری قوام‌السلطنه با مصونیت‌های قضایی وارد ایران شدند. در دوران حکومت سهیلی نیز قراردادهای دیگری در زمینه استخدام مستشاران امریکایی، به بهانه اصلاح سیستم اداری ارتش به امضا رسید. هر یک از قراردادها



شاه به منظور عوام‌فریبی، لغو کاپیتولاسیون را از به اصطلاح شاهکارهای پدر خود برشمرد!

شامل امتیازات خاصی برای خانواده‌ها و وابستگان نظامیان امریکایی‌ها بود. اما نقطه اوج این امتیازدهی‌ها، به دوران نخست‌وزیری اسدالله علم و حسنعلی منصور بازمی‌گردد. یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌های حکومت پهلوی پس از قیام ۱۵

خرداد ۱۳۴۲ - که زمینه‌ساز تبعید امام خمینی (ره) به خارج از کشور به شمار می‌رود - تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود. *پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی*
پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، امریکاییان به جای انگلیسی‌ها قدرت ذی‌نفوذی را در صحنه سیاسی ایران به دست آوردند. سفارت آمریکا، از زمان نخست‌وزیری اسدالله علم، ادامه حضور نظامیان خود را که به عنوان مستشار در ایران خدمت می‌کردند، به معافیت از شمول قوانین قضایی ایران مشروط کرده بود. عدم رسیدگی دادگاه‌های ایران به جرایم مستشاران امریکایی

و خانواده‌هایشان به معنای احیای کاپیتولاسیون بود. این لایحه در واپسین روزهای صدارت علم در ۱۳ مهر ۱۳۴۲ به تصویب رسید و به مجلس سنا تسلیم شد.

دست به دست شدن این لایحه در کمیسیون‌های مجلس سنا وقت زیادی گرفت و شاید کشمکش‌های پشت پرده جناح‌های وابسته به انگلیس و امریکا در مجلس سنا مایه معطلی و صرف وقت شده باشد... سرانجام در پی سقوط دولت علم، یکی از مهره‌های وابسته به امریکا به نام حسنعلی منصور که به نخست‌وزیری منصوب شد، برای تصویب این لایحه در مجلس سنا و شورای ملی تلاش جدی به عمل آورد و با ترندهایی آن را از تصویب مجلسین گذرانید.^۱

با روی کار آمدن حسنعلی منصور،^۲ امریکایی‌ها با توان بیشتری برنامه‌هایشان را اجرا می‌کنند. کانون مرفقی به حزب ایران نوین تبدیل می‌شود و به صورت تشکیلاتی قوی، مجلس و دولت را در دست می‌گیرد. مجلس سنا با همه تأکید سفارت امریکا در تصویب سریع آن، لایحه مزبور را به کمیسیون خارجه ارجاع داد. این لایحه پس از چند ماه رسیدگی به تصویب کمیسیون خارجه مجلس سنا رسید و در ۳ مرداد ۱۳۴۳ گزارش کمیسیون خارجه در جلسه فوق‌العاده مجلس سنا به اتفاق آرا تصویب شد.

وظیفه دفاع از این لایحه و شرکت در اجلاس مجلس سنا و پاسخگویی به پرسش‌های نمایندگان در این خصوص، به عهده دولت منصور بود. در جلسه مجلس سنا که به ریاست جعفر شریف‌امامی تشکیل شد، احمد میرفندرسکی، معاون وزیر امور خارجه، به نمایندگی از دولت حسنعلی منصور جهت تصویب این لایحه حضور داشت.

۱. روحانی، همان، ص ۱۰۲۰.

۲. منصور قبل از نخست‌وزیری یکی از دیپلمات‌های وزارت امور خارجه بود. او فعالیت سیاسی خود را در سال ۱۳۴۰ و با تأسیس «کانون مرفقی» - که یک مجموعه وابسته، با هدف تسریع اجرای اصلاحات امریکایی رژیم شاه در عرصه اقتصادی بود- آغاز کرد. این کانون در سال ۱۳۴۲، به «حزب ایران نوین» تغییر نام داد. وی همچنین یکی از اعضای مؤثر لژ فراماسونری در ایران بود.

پس از آن متن تصویب شده لایحه به مجلس شورای ملی تقدیم شد. مجلس شورا به فوریت آن رأی داد و لایحه را به کمیسیون خارجه ارجاع نمود. اما حسنعلی منصور تصویب سریع لایحه مصونیت مستشاران نظامی آمریکا را از مجلس شورا خواستار شد. لایحه مصونیت سیاسی امریکاییان در ۲۱ مهر ۱۳۴۳، طی جلسه علنی مجلس شورا که ریاست آن را دکتر حسین خطیبی، نایب رئیس مجلس، بر عهده داشت، با حضور نخست وزیر و اعضای هیئت دولت به تصویب رسید. در این جلسه ابتدا منصور طی سخنانی درباره لزوم اصلاحات اقتصادی و اداری ایراد کرد و سپس گزارش کار هشت ماهه هیئت دولت را به مجلس داد و پس از آن، به درخواست وی گزارش کمیسیون خارجه راجع به قرارداد بین المللی وین مطرح گردید و به تصویب رسید. به دنبال آن، گزارش کمیسیون خارجه درباره مصونیت مستشاران نظامی آمریکا مطرح شد. میرفندرسکی معاون وزارت خارجه آن روز ایران در مجلس شورای ملی درباره روند این لایحه چنین توضیح داد:

... سفارت امریکا طی یادداشت شماره ۴۲۳ در اسفند ماه ۱۳۴۰ از ما خواست که نظامیان امریکا از امتیازات و مصونیت های مأمورین پیش بینی شده در قرارداد وین برخوردار باشند. مذاکرات و مکاتبات ما با سفارت امریکا مدت ها طول کشید تا جلسه وزیران (کابینه علم) در تاریخ ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲ آن را تصویب کرد. سپس لایحه مربوط در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تقدیم شد و ۳ مرداد ۱۳۴۳، به تصویب رسید و سپس به مجلس شورا آمد که آقایان وظیفه خود را انجام دهند...!

شاه نگران شورش مردم علیه تصویب لایحه بود؛ به همین دلیل اجازه داد بعضی از نمایندگان با لایحه مخالفت کنند. نقش شاه در ترغیب نمایندگان به مخالفت، از آن رو کاملاً واضح است که بی پرواترین منتقدان لایحه بعدها در پست های مهم دولتی گماشته شدند. کسانی که به عنوان مخالف صحبت می کردند، عموماً یا عضو حزب ایران نوین بودند که نقش بازی می کردند و یا لژهای فراماسونری. این نکته هم گفتنی است که تشکیلات

فراماسونری اکثراً به سمت قدرت امریکا چرخیده بود و در حقیقت نفوذ انگلیس به اعتدال خود رسیده بود. از چهره‌های برجسته‌ای که به عنوان مخالف صحبت می‌کند، رحیم زهتاب‌فرد است؛ از مریدان خاص سید ضیاء‌الدین طباطبایی و وکیل مجلس که در دوره‌های بعد هم وکالتش ادامه داشت و روزنامه اراده آذربایجان را منتشر می‌کرد. دومین فرد خواجه‌نوری است، از فراماسون‌های برجسته و عضو حزب ایران نوین و از مؤسسين این حزب. سومین مخالف هلاکو رامبد است که او هم از اعضای حزب ایران نوین، فراماسون و از دوستان نزدیک جمشید آموزگار بود. محسن خواجه‌نوری از مؤسسين لژ نور در تشکیلات فراماسونری است که بعدها به لژ بزرگ ایران تبدیل می‌شود.^۱

در مجلس عده‌ای از اعضای حزب ایران نوین نقش مخالف را بازی می‌کنند؛ در صورتی که در آن جو اختناق و استبداد و با وجود سازمانی همچون ساواک هیچ‌کدام از نمایندگان مجلس جرئت مخالفت باطنی با کاپیتولاسیون را نداشتند. علاوه بر برخی اعضای حزب ایران نوین که به لایحه رأی منفی دادند، بسیاری از مخالفان لایحه از نزدیکان علم بودند. از موافقان لایحه می‌توان از فخر طباطبایی و ابوالفضل حاذقی نام برد.

از موافقین لایحه کاپیتولاسیون، یکی فخر طباطبایی از نزدیکان شریف‌امامی و عضو لژ فراماسونری است. از دیگر موافقین لایحه، بهبودی، عضو لژ تهران و از نزدیکان خلیل جواهری است. سومین فرد مدافع ابوالفضل حاذقی، از عناصر سیاسی که سعی می‌کرد خود را چهره مذهبی جلوه دهد، مسئول روزنامه کوشش، نویسنده و محقق، عضو تشکیلات تسلیحات اخلاقی امریکایی‌ها بود.^۲

منصور در زمان دفاع از لایحه، در خصوص معنای آن بارها عمداً دروغ می‌گفت. او تأکید می‌کرد که وابستگان و مستشاران غیر فنی شامل این مصونیت نمی‌شوند و مهم‌تر آنکه، این

۱. نشست تخصصی حق قضاوت کنسولی «کاپیتولاسیون»، ص ۳۴.

۲. همان.

مصونیت صرفاً ناظر بر اقداماتی است که در طول ساعات اداری انجام پذیرد.

فشار سفارت آمریکا برای تصویب این لایحه تا آن پایه بود که دولت و مجلس ناگزیر شدند بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم قانونگذاری، آن را به رأی بگذارند. لایحه را نه به کمیسیون‌های دادگستری و نظام فرستادند و نه برای مطالعه در اختیار نمایندگان قرار دادند و نه به اشکالات بسیاری از نمایندگان که اشکال اساسی به لایحه داشتند و روی برخی از کاستی‌ها و نواقصی که در لایحه وجود داشت انگشت گذاشتند، بها دادند و با تهدید و ارباب، نمایندگان را بر آن داشتند که رأی خود را به صندوق بریزند.^۱

سرانجام لایحه ننگین و اسارت‌بار کاپیتولاسیون با ۷۴ رأی موافق در برابر ۶۱ رأی مخالف به تصویب رسید و بار دیگر رژیم کاپیتولاسیون در ایران احیا شد و سند بردگی ملت ایران در اختیار آمریکا قرار گرفت.^۲

قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران

از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین

ماده واحده. با توجه به لایحه ۱۸ - ۲۲۹۱ - ۲۱۵۷ - ۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمائم آن که در تاریخ ۴۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده را در ایران که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضا

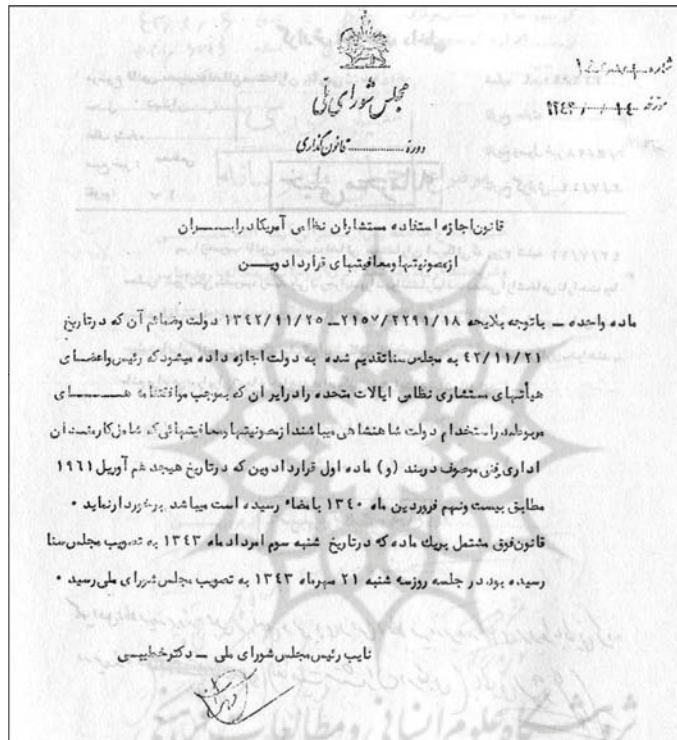
۱. روحانی، همان، ص ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸.

۲. یادداشت‌هایی درباره مصونیت‌ها و معافیت‌های مستشاران نظامی آمریکا و متن قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران، از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین. شامل یادداشت‌های شماره ۹۷۶۰ و ۹۷۶۲ مورخه ۱۸ آذر ۱۳۴۳ (۹ دسامبر ۱۹۶۴) به عنوان سفارت آمریکا و یادداشت شماره ۲۸۲ مورخه ۹ دسامبر ۱۹۶۴ سفارت آمریکا به عنوان وزارت امور خارجه ایران. (معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷)، ص ۲۸۹).

رسیده است، می‌باشد برخورد نمایند.

قانون فوق مشتمل بر یک ماده که در تاریخ شنبه، سوم مرداد ۱۳۴۳ به تصویب مجلس سنا رسیده بود، در جلسه روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

نایب رئیس مجلس شورای ملی، دکتر خطیبی



این نکته که حتی نمایندگان فرمایشی نیز به ننگین بودن این قانون آگاه بودند از آنجا آشکار می‌شود که عبدالله ریاضی - رئیس وقت مجلس - قبل از طرح موضوع در مجلس، به بهانه معالجه به امریکا سفر کرد و علاوه بر وی، ۵۲ نفر از ۱۸۸ نماینده مجلس نیز غیبت غیر موجه داشتند.

◆ پیامدهای تصویب کاپیتولاسیون

قضاوت کنسولی مسئله‌ای اساسی است. همواره بیشترین نفوذ بیگانگان از طریق کاپیتولاسیون بوده و از این راه و تحمیل عمال و کارگزاران بیگانه، جنایات فجیعی در این سرزمین انجام گرفته است. قوانین جزایی که باید مظهر حاکمیت دولت باشد، به صورت بازیچه‌ای در آمد و هر متجاوز می‌توانست به سادگی آن را کنار زند و خود را تحت حمایت قدرت‌های خارجی قرار دهد.

بعد از تصویب کاپیتولاسیون در ایران، آمریکا میدان فعالیت را وسیع‌تر یافت و تشکیلات سازمان سیا فعال‌تر شد. آمریکا بسیاری از نیروهای اطلاعاتی خود را از قبرس روانه ایران

کرد. جیمز بیل در کتاب «عقاب و شیر»،

تصویب این لایحه را یکی از بدترین و

اشتباه‌آمیزترین کارهایی می‌داند که

امریکایی‌ها مرتکب شدند. در قسمت‌هایی

از این کتاب آمده است:

لیکن کیست که نداند یک عنصر
بی‌اراده و دست‌نشانده هیچ‌گاه
نمی‌تواند بر خلاف سیاست آنان
گامی بردارد و اقدامی کند.

کاپیتولاسیون اشتباه مرگ‌باری

است که منافع آمریکا را دچار مشکل

خواهد نمود. این عمل ناشیانه و زشت، نشانه‌ای از رفتار خشن و احمقانه امپریالیسم است، ولی با این همه ما آن قدر فشار آوردیم تا به اجرا در آمد... بر خلاف قرارداد کاپیتولاسیون که بیشتر دربرگیرنده نظامیان بودند که در فراسوی دریاها خدمت می‌کردند؛ در تنظیم نوع ایرانی آن به طور استثنایی به ایالات متحده آمریکا اجازه داده شده بود تا در تمام موارد و در مورد تمام کارمندان [حتی غیر نظامی] تنها از حوزه قضایی خود استفاده کنند ولو اینکه افراد مسئول در آمریکا نخواهند این کار را انجام دهند... این شکل از قرارداد که بین ایران و آمریکا منعقد شده بود به استثنای مواردی از آن در آلمان غربی، در هیچ‌یک از کشورهای دیگر سابقه نداشت و خصوصاً به لحاظ

کاربرد، بسیار گسترده می‌نمود، زیرا هر گونه نظارت قانونی ایرانیان را بر گروه‌های امریکایی مستقر در ایران، که دائماً نیز رو به فزونی بود، بی‌اثر و خنثی می‌کرد و این می‌توانست به خویشان و بستگان آنها نیز بسط یابد.^۱

اسنادی از ساواک نشان می‌دهد که قبح این قانون بر اعضای کابینه منصور نیز پوشیده نبوده است:

سناتور سید جلال‌الدین تهرانی به یکی از دوستان خویش اظهار داشته دو شب پیش از تصویب مصونیت قضایی اتباع امریکایی دکتر عالیخانی، دکتر آموزگار و [عطاءالله] خسروانی، وزرای کابینه به این عمل اولیای حزب ایران نوین در محل حزب اعتراض نموده و گفته‌اند این ننگ بر دامن دولت و حزب ایران نوین تا ابد باقی خواهد ماند، لذا پس از مراجعت اعلیحضرت همایونی از شیراز از کابینه استعفا خواهیم کرد.^۲

تصویب لوایحی چون اصلاحات ارضی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید، می‌توانست در ظاهر فریبنده باشد و حتی برای خود، پشتیبانانی نیز بیابد و با مانورهای تبلیغاتی رژیم هر ندای مخالفی را خاموش و سرکوب سازد، اما تصویب کاپیتولاسیون هیچ توجیه منطقی و تبلیغاتی نداشت.

رژیم شاه که به خوبی می‌دانست بازتاب عمومی این لایحه ننگین تا چه حد خطرناک خواهد بود، سانسور شدیدی بر رسانه‌های گروهی حاکم کرد تا هیچ‌گونه خبری در مورد لایحه کاپیتولاسیون به بیرون درز نیابد، ولی چند روزی از تصویب این لایحه نگذشته بود که مجله داخلی مجلس شورای ملی که متن کامل مذاکرات مجلس را در بر داشت به دست امام خمینی رسید.

طرح کاپیتولاسیون از جمله موضوعات بسیار مهمی بود که در سال ۱۳۴۳ مطرح شد.

۱. جیمز بیل، شیر و عقاب، ترجمه مهوش غلامی (تهران: کوبه، ۱۳۷۱)، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

۲. نک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی،

۱۳۸۶)، ص ۳۶۳.

مسئله کاپیتولاسیون در مجلس شورا و مجلس سنا به طور کاملاً سری مطرح شده بود. در مجلس سنا بعضی اعتراض کرده و گفته بودند که نگذارید پرده‌ها بالا برود. این مسئله که امام چگونه از آن مجلس سری مطلع شد؛ من شنیده‌ام که پسر مرحوم آقا شیخ جواد عراقی که در مجلس منشی یا کارگزار بود، خبرهای مجلس را ایشان یا مستقیماً یا با واسطه به امام می‌رسانده است... روزی که امام از مسئله کاپیتولاسیون مطلع شدند خیلی ناراحت بودند و طی دو جلسه موضوع را با علما مطرح کردند، اما آنها ترتیب اثر ندادند و مسئله را سیاسی تلقی کردند و معتقد بودند که اگر دخالت کنند، مشکلاتی پیش می‌آید.^۱

نهضت امام ماجرای دیگری را تجربه می‌کرد و گام روشن‌تری برای نشان دادن مسیر ضد استعماری خود برمی‌داشت. این مرحله، مرحله‌ای دیگر برای اثبات اهداف امام و پافشاری ایشان بر روی آن اهداف بود.

همه اقشار مردم اعم از دانشگاهی و روشنفکر و دیگران می‌دانستند که اگر در یک مملکتی بین دو نفر دعوایی رخ دهد که یک طرف آن دعوا، اتباع کشوری دیگر باشد، آن دعوا باید در همان مملکت بررسی و تحقیق شود و محاکمه باید در همان کشور انجام بگیرد، نه اینکه بردارند ببرند به یک کشور بیگانه و مسئله را در آنجا بررسی کنند. بسیار روشن بود که این قانون یک قانون کاملاً استعماری است که تنها به نفع آمریکا و اتباع آن کشور است. اصلاً به طور خیلی واضح و آشکار تسلط و نفوذ استعماری آمریکا را بر مجلسین و دولت ایران نشان می‌داد. خلاصه نقطه ضعف خیلی خوبی بود برای کوبیدن شاه و حکومت او. در واقع شرایط برای اعلام آشکار هدف امام که همان براندازی رژیم شاه و تشکیل حکومت اسلامی بود، به تدریج فراهم می‌شد. منتها اینها مسائلی است که باید به تدریج و آرام آرام مطرح شود و اکنون در این مرحله از قیام، قانون کاپیتولاسیون فرصت یک حمله سرنوشت‌ساز به پیکر رژیم را در اختیار رهبر

هوشمند نهضت قرار می‌داد.^۱

امام خمینی برای افشای خیانت پشت پرده شاه و دولت تصمیم گرفت در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ مصادف با میلاد حضرت فاطمه (س) سخنرانی نماید و اعلامیه‌ای تأثیرگذار منتشر کند. شاه که از تصمیم امام آگاه شد پیکی نزد ایشان فرستاد، ولی امام حاضر به پذیرفتن وی نشد و او ناچاراً با شهید حاج آقا مصطفی، فرزند بزرگ امام، ملاقات کرد و پیام شاه را رساند. او از قول شاه امام را از

حمله به امریکا بر حذر داشت و آن را کاری خطرناکتر و حتی مهم‌تر از حمله به شخص اول مملکت (شاه) دانست.^۲

یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌های حکومت پهلوی پس از قیام ۱۵

خرداد ۱۳۴۲ - که زمینه‌ساز تبعید امام خمینی (ره) به خارج از کشور به شمار می‌رود - تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی بود.

آیت‌الله محلاتی درباره تصمیم امام جهت سخنرانی و عصبانیت ایشان از ماجرای کاپیتولاسیون می‌گوید:

قرار بود به مناسبت کاپیتولاسیون امام صحبت کند، ایشان خیلی عصبانی بود، وقتی ما رفتیم خدمتشان فرمود: این از آن اموری

است که ما باید دنبال کنیم و عزت اسلام را زنده کنیم. این قصه رأی زن‌ها نیست که آنها به ما وصله ارتجاعی بچسبانند، این قصه تقسیم اراضی نیست که به ما بگویند طرفدار مالکیت هستید، این مسئله‌ای است که تمام آزادیخواهان دنیا این مسئله را قبول

۱. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، به کوشش محمدرضا احمدی، ج ۱ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷)، ص ۲۱۱.

۲. محمدحسن رجبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی «از آغاز تا هجرت به پاریس» (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹)، ص ۲۴۹.

دارند که ما برای آزادی می‌جنگیم. ما هدفمان یک هدف ارتجاعی نیست. ما هدفمان این است که از زیر یوغ استعمار آمریکا و اسرائیل بیرون بیاییم، ما می‌خواهیم یک ملت مستقل باشیم نه زیر یوغ استعمار آمریکا که مستشارانش در مملکت ما هر چه جنایت می‌خواهند بکنند، بکنند و هیچ دستگاه قضایی حق نداشته باشد آنها را دستگیر کند.^۱

امام بی‌اعتنا به تهدید نماینده شاه در روز مقرر سخنرانی تاریخی و حماسی خود را در جمع هزاران نفر از مؤمنان که در منزل ایشان گرد آمده بودند ایراد کرد. ایشان در ابتدا حالات روحی و ناراحتی شدید خود را از تصویب لایحه کاپیتولاسیون بیان داشت و به دنبال آن به بیان خیانت رژیم به ایرانیان با تصویب این موضوع پرداخت.

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون. من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است؛ این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده، ناراحت هستم، قلبم در فشار است. با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید. ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کرده‌اند، عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته‌جمعی رقصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی‌ها را منع می‌کردم، می‌گفتم بیریق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سرخانه‌ها بزنند، چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند؛ در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین^۲ و

۱. خاطرات و مبارزات شهید محلاتی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ۶۴.

۲. قرارداد وین یک قرارداد چند جانبه بین‌المللی است که در ژوئن ۱۹۶۱ در شهر وین به تصویب رسید. پس از مباحثات و مذاکرات سازمان ملل متحد درباره این قرارداد، کشور ایران نیز آن را امضا کرد. طبق این قرارداد، مأموران سیاسی کشورهای امضاکننده قرارداد در خاک یکدیگر از مصونیت قضایی برخوردار بودند و کشور میزبان قانوناً نمی‌توانست آنها را محاکمه کند. بر اساس این قرارداد چند جانبه، محاکمه مأموران سیاسی مجرم در یک کشور دیگر بر اساس قوانین کشور خودش بود و مأموران سیاسی از پرداخت تمام عوارض شخصی،

ثانیا الحاق کردند به پیمان وین! که تمام مستشاران نظامی امریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند. اگر یک خادم امریکایی، اگر یک آشپز امریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند! بازپرسی کنند! باید برود امریکا! آنجا در امریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب‌نامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان در نیامد. در این چند روز این تصویب‌نامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند. مخالفت‌هایی شد.

سپس به بیان علل پذیرش این ننگ از سوی مقامات کشور پرداخت و به فرمایشی و غیر قانونی بودن مجلس اشاره کرد. امام در بیانات خود به بیان تعهدات دولت امریکا^۱ در قبال تصویب کاپیتولاسیون پرداخت. افشای این موضوع که امریکا حتی تصور آن را هم نمی‌کرد؛ شکست بزرگی برای امریکا و دلیل محکمی دیگر برای ملت ایران در مبارزه با امریکا بود.

... لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند، دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ‌های امریکا پست‌تر کردند... چرا؟ برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند از امریکا، امریکا گفت این کار باید بشود (لابد این جور است) ... مع‌ذلک، ایران خودش را فروخت برای این دلارها، ایران استقلال ما را فروخت، ما را جزء دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست‌تر از وحشی‌ها در دنیا معرفی کرد... ما با این مصیبت چه بکنیم؛ روحانیون با این مطالب چه بکنند به کجا پناه ببرند عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند. سایر ممالک خیال می‌کنند که ملت ایران است، این

مالی، مملکتی و شهری معاف بودند.

۱. امریکا در قبال تصویب این قانون با اعطای وام ۲۰۰ میلیون دلاری به ایران جهت خرید سلاح از آن کشور موافقت نموده بود.

ملت ایران است که این قدر خودش را پست کرده است، نمی دانند این دولت ایران است، این مجلس ایران است، این مجلس است که هیچ ارتباطی به ملت ندارد، این مجلس، سرنیزه است و این مجلس چه ارتباطی به ملت ایران دارد، ملت ایران به اینها رأی ندادند، علمای تراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند انتخابات را، ملت تبعیت کرد از اینها رأی نداد؛ لکن زور سرنیزه اینها را آورد در این کرسی نشاند.

همچنین ضمن اشاره به تلاش‌های رژیم برای از میان برداشتن روحانیان و ایجاد تفرقه بین آنان، مطالبی درباره دلایل لزوم دخالت روحانیان در امور سیاسی کشور فرمودند:

... رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! همین‌طور است، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت اسیر انگلیس یک وقت باشد، اسیر امریکا یک وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را، نمی‌گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود... اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این دولت می‌زنند، توی دهن این مجلس می‌زنند، وکلا را از مجلس بیرون می‌کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد تحمیل نمی‌تواند بشود یک عده از وکلا بر سر نوشت یک مملکتی که حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد یک دست‌نشانده امریکایی این غلطها را بکند، بیرونش می‌کنند از ایران. نفوذ ایرانی، نفوذ روحانی مضر به حال ملت است؛ نخیر! مضر به حال شماست، مضر به حال شما خائن‌هاست نه مضر به حال ملت. شما دیدید با نفوذ روحانی نمی‌توانید هر کاری را انجام دهید، هر غلطی را بکنید، می‌خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید. شما گمان کردید که با صحنه‌سازی‌ها می‌توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید؛ نمی‌توانید... روحانیون با هم هستند.

امام در قسمتی از سخنرانی، هشدارهای تکان‌دهنده و تاریخی خود را خطاب به قشرهای مختلف برای حفظ اسلام بیان داشت. ایشان در طول سخنرانی بارها به دولت امریکا و دست‌نشانده‌هایش در ایران حمله نمود و دولت ایران را نوکر امریکا معرفی کرد:

... آقا من اعلام خطر می‌کنم، ای ارتش ایران! من اعلام خطر می‌کنم، ای سیاسیون ایران!

من اعلام خطر می‌کنم، ای بازرگانان! من اعلام خطر می‌کنم، ای علمای ایران! ای مراجع اسلام! من اعلام خطر می‌کنم، ای فضلا! ای طلاب! ای مراجع! ای آقایان! ای نجف! ای قم! ای مشهد! ای تهران! ای شیراز! من اعلام خطر می‌کنم، خطر دار است، معلوم می‌شود زیر پرده چیزهایی است و ما نمی‌دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود، معلوم می‌شود برای ما خواب‌ها دیده‌اند. از این بدتر چه خواهند کرد. نمی‌دانم از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ ... نظامیان امریکایی، مستشاران نظامی امریکایی به شما چه نفعی دارند آقا اگر این مملکت اشغال امریکاست پس چرا این قدر عربده می‌کشید، پس چرا این قدر دم از ترقی می‌زنید اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از ارباب‌ها بالاترشان می‌کنید، پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید، اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند؛ مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال امریکاییست پس بگویید، پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت... آقا فکری بکنید برای این مملکت، فکری بکنید برای این ملت. هی قرض روی قرض بیاورید! هی نوکر بشوید! البته دلار نوکری هم دارد، دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید نوکریش را ما بکنیم.

آن‌گاه امام از همه خواست تا در مقابل این قانون ننگین و اسارت‌بار بایستند و سپس به معرفی ماهیت حقیقی استعمارگران به ویژه دولت امریکا و نقشه‌های آنان پرداخت:

... نباید گفت اینها را آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد اینجا هم خفه بشویم ما را بفروشند و خفه بشویم، قرآن ما را بفروشند و خفه بشویم، والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند. ای سران اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید، رفت اسلام. ای ملل اسلام! ای سران ملل اسلام! ای رؤسای جمهور ملل اسلامی! ای سلاطین ملل اسلامی! ای شاه به داد خودت برس، به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم چون ملت ضعیفی هستیم! چون دلار نداریم! امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر.

اما امروز سر و کار ما با این خبیث‌هاست، با امریکاست. رئیس‌جمهور امریکا بدانند، بدانند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما، امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما، یک همچنین ظلمی به دولت اسلامی کرده است. امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت امریکا بدانند این مطلب را، ضایع کردند او را در ایران، خراب کردند او را در ایران.

امام در ادامه سخنان پربار خود آینده ایران و گسترش دخالت‌های امریکا را در کشور گوشزد نمود و با بیان مطالبی درباره لزوم اعتراض به این خیانت رژیم سخنان خود را به پایان رساند:

همواره بیشترین نفوذ بیگانگان از طریق کاپیتولاسیون بوده و از این راه و تحمیل عمال و کارگزاران بیگانه، جنایات فجیعی در این سرزمین انجام گرفته است.

... الان در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطنخواه باشند چیزی نیست، در دست آنها چیزی نیست، ارتش هم بدانند یکی‌تان را بعد از

دیگری کنار می‌گذارند، دیگر برای شما آبرو گذاشتند برای نظام شما آبرو گذاشتند... اگر من بودم استعفا می‌کردم، اگر من نظامی بودم استعفا می‌کردم، من این ننگ را قبول نمی‌کردم، اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می‌کردم... آقایان موظفانند ملت را آگاه کنند، علما موظفانند ملت را آگاه کنند، ملت موظف است که در این امر صدا در بیاورد، با آرامش عرض برساند، به مجلس اعتراض کند، به دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید چرا ما را فروختید مگر ما بنده شما هستیم؟ شما که وکیل ما نیستید، وکیل هم بودید، اگر خیانت کردید به مملکت خود به خود از وکالت بیرون می‌روید، این خیانت به مملکت است... خداوندا امور مسلمین را اصلاح کن. خداوندا دیانت مقدسه اسلام را عظمت به آن عنایت فرما. خدایا اشخاصی که خیانت می‌کنند به این آب و ملک، خیانت می‌کنند به اسلام، خیانت می‌کنند به قرآن، آنها را نابود کن.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.^۱

امام علاوه بر این سخنرانی اعلامیه‌ای منتشر و بار دیگر به افشای خیانت شاه، دولت و مجلس پرداخت. امام در این اعلامیه کاپیتولاسیون را «سند بردگی ملت ایران»، «اقرار به مستعمره بودن ایران» و «ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت» نامید. در قسمت‌هایی از اعلامیه امام آمده است:

... آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنابیتی واقع شد؟ می‌داند مجلس، به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضا کرد، اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به امریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟ قلم سرخ کشید بر تمام لاف و کزاف‌های چندین ساله سران قوم؟ ایران را از عقب‌افتاده‌ترین ممالک دنیا پست‌تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب‌منصبان و درجه‌داران نمود؟ حیثیت دادگاه‌های ایران را پایمال کرد؟ به ننگین‌ترین تصویب‌نامه دولت سابق، با پیشنهاد دولت حاضر، بدون اطلاع ملت، با چند ساعت صحبت‌های سری، رأی مثبت داد؟ ... امروز که دولت‌های مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت، خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می‌کنند، مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن ۲۵۰۰ ساله، با لاف هم‌ردیف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین‌ترین و موهن‌ترین تصویب‌نامه غلط دولت‌های بی‌حیثیت رأی می‌دهد و ملت شریف ایران را پست‌ترین و عقب‌افتاده‌ترین ملل به عالم معرفی می‌کند؛ و با سرافرازی هر چه تمام‌تر، دولت از تصویب‌نامه غلط دفاع می‌کند و مجلس رأی می‌دهد... آیا ملت ایران می‌داند که افسران ارتش به جای سوگند به قرآن مجید، «سوگند به کتاب آسمانی که به آن اعتقاد دارم» یاد کرده‌اند؟ این همان خطری است که کرارا تذکر داده‌ام: خطر برای قرآن مجید؛ برای اسلام عزیز؛ خطر برای مملکت اسلام؛ خطر برای استقلال کشور. من نمی‌دانم

دستگاه جبار از قرآن کریم چه بدی دیده است، از پناه به اسلام و قرآن چه ضرری برده است که این قدر پافشاری برای محو اسم آن می‌کند. اگر پناه به قرآن و اسلام بیاورید، اجنبی به خود اجازه نمی‌دهد که از شما سند بردگی بگیرد؛ اجازه نمی‌دهد که مفاخر ملی و اسلامی شما پایمال شود. جدا بودن ملت از هیئت حاکمه، برخوردار نبودن آنها از پشتیبانی ملت، این مصیبت‌ها را پیش می‌آورد. اکنون من اعلام می‌کنم که این رأی ننگین مجلسین مخالف اسلام و قرآن است، و قانونیت ندارد؛ مخالف رأی ملت مسلمان است و کلاهی مجلسین وکیل ملت نیستند؛ و کلاهی سرنیزه هستند! رأی آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هیچ ارزشی ندارد. و اگر اجنبی‌ها بخواهند از این رأی کثیف سوء استفاده کنند، تکلیف ملت تعیین خواهد شد... دنیا بداند که هر گرفتاری‌ای که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است؛ از امریکاست. ملل اسلام از اجانب عموماً و از امریکا خصوصاً متنفر است. بدبختی دول اسلامی از دخالت اجانب در مقدرات آنهاست... اینجانب، که یک نفر از خدمتگزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم، در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی حاضرم برای کوچک‌ترین افراد تواضع و کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام - کثرالله امثالهم. لازم است جوان‌های متعصب و طلاب تازه‌کار از زبان و قلم خود جلوگیری کنند؛ و در راه اسلام و هدف مقدس قرآن از اموری که موجب تشمت و تفرقه است خودداری نمایند. علمای اعلام برای خاتمه دادن به هرج و مرج و بی‌نظمی‌ها در فکر اصلاح عمومی هستند، اگر دولت‌ها مجال فکر به ما بدهند؛ اگر گرفتاری‌هایی که از ناحیه هیئت حاکمه پیش می‌آید و ناراحتی‌های روحی مجال تصفیه و اصلاح داخلی به ما بدهد. این نحو گرفتاری‌هاست که ما را از مسیر خود، که مسیر تصفیه حوزه‌ها و اصلاح همه‌جانبه است، باز می‌دارد. با احساس خطر برای اسلام و قرآن کریم، برای ملت و ملیت مجال تفکر در امور دیگر باقی نمانده... امروز اقتصاد ایران به دست امریکا و اسرائیل است و بازار ایران از دست ایرانی و مسلم خارج شده است و غبار ورشکستگی و فقر به رخسار بازرگان و زارع نشسته است؛ و اصلاحات آقایان، بازار سیاه برای امریکا و اسرائیل درست کرده است؛ و کسی نیست

که به داد ملت فقیر برسد...^۱

به دنبال سخنرانی امام علی‌ه کاپیتولاسیون، آیت‌الله مرعشی نجفی، سید محمدصادق روحانی و سید کاظم شریعتمداری نیز سخنانی ایراد کردند. اعلامیه‌هایی نیز از سوی آیت‌الله روحانی و سید حسن قمی در انتقاد از احیای کاپیتولاسیون منتشر شد.

حجت‌الاسلام فلسفی طی نامه‌ای به امام خمینی، سخنرانی تاریخی ایشان را مفید و تأثیر برانگیز توصیف کرد:

محضر مقدس حضرت مستطاب آیت‌الله حاج آقا روح‌الله خمینی متع‌الله المسلمین بطول
بقائه الشریف

به عرض محترم عالی می‌رساند به خواست خداوند پس فردا روز پنجشنبه برای مدت ده روز عازم یزد هستم. بدین‌وسیله از حضرت آیت‌الله تودیع نموده و با استظهار به دعای خیر آن حضرت از تهران خارج می‌شوم.

مطالب سودمند مؤثری که در سخنرانی اخیر مورد بحث قرار گرفت از هر جهت مفید و در افکار طبقات مردم حسن اثر کامل داشت و با اشاره‌ای که در ضمن سخن به روابط روحانیین و هماهنگی آنان فرموده بودید پیوستگی‌ها را محکم‌تر و قطعاً صفوف مسلمین را فشرده‌تر خواهد نمود. از خداوند بزرگ طول عمر و سلامت حضرت آیت‌الله را در دفاع از حریم اسلام و حفظ آبرو و عز مسلمین خواستارم.

محمدتقی فلسفی ۲۸۳/۸/۵

علما و روحانیان طی مخابره تلگرام‌ها و ارسال نامه‌هایی به هیئت حاکمه، الغای سریع کاپیتولاسیون را خواستار شدند. شماری از روحانیان و وعاظ در این رابطه دستگیر و زندانی گشتند. در ۹ آبان حسنعلی منصور در مجلس سنا درباره کاپیتولاسیون توضیحاتی داد و ادعا

۱. همان، ص ۴۱۴-۴۰۹.

۲. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، به کوشش علی دوانی (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲)، ص ۲۱۵.

کرد ایران با دادن مصونیت سیاسی به چند مستشار نظامی کوچک‌ترین زیانی به ملت نمی‌رساند!

◆ تبعید امام خمینی؛ اثبات وطن‌فروشی درباریان

اگر مملکت ما اشغال امریکایی است، پس بگویید! پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت!

افشاگری‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی باعث گردید رژیم ستمشاهی که از امریکا و ایادی آن دستور می‌گرفت ایشان را از ایران تبعید نماید. در نخستین دقایق بامداد ۱۳ آبان ۱۳۴۳، عده‌ای کماندو و چترباز وارد منزل امام خمینی شدند، ایشان را دستگیر و روانه تهران کردند و مستقیماً وارد فرودگاه شدند؛ امام به ترکیه تبعید شد.

افشاگری‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی باعث گردید رژیم ستمشاهی که از امریکا و ایادی آن دستور می‌گرفت ایشان را از ایران تبعید نماید. در نخستین دقایق بامداد ۱۳ آبان ۱۳۴۳، عده‌ای کماندو و چترباز وارد منزل امام خمینی شدند، ایشان را دستگیر و روانه تهران کردند و مستقیماً وارد فرودگاه شدند؛ امام به ترکیه تبعید شد.

هوایمایی که امام را به ترکیه می‌برد در ساعت ۱۱:۳۰ صبح در فرودگاه آنکارا بر زمین نشست. مأموران امنیتی ترکیه که در فرودگاه به استقبال آمده بودند، امام را به هتل بلوار پالاس، طبقه چهارم، اتاق شماره ۵۱۴ بردند. فردای آن روز (۱۴ آبان) در ساعت ۲ بعد از ظهر، امام را به یکی از ساختمان‌های فرعی خیابان آتاتورک منتقل کردند تا او را از دید خبرنگاران داخلی و خارجی آن کشور که به دنبال خبر تبعید او به ترکیه، سخت کنجکاو شده بودند، دور نگه دارند و سرانجام در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۴۳ او را به شهر

بورسا، واقع در ۴۶۰ کیلومتری غرب آنکارا انتقال دادند.^۱

پس از تبعید امام خمینی اطلاعیه‌ای از سوی ساواک در رادیو پخش شد و در مطبوعات به چاپ رسید.

طبق اطلاعیه مؤثق و شواهد و دلایل کافی چون رویه آقای خمینی و تحریکات مشارالیه بر علیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور تشخیص داده شد، لذا در تاریخ ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۳ از ایران تبعید گردید.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور^۲

این اطلاعیه نشان‌دهنده نقض قانون اساسی، موازین بین‌المللی و حقوق بشر است و نمایانگر آن است که ساواک بالاتر از دستگاه‌های قضایی و اجرایی قرار دارد و می‌تواند مرجع تقلید را که طبق قانون از هر گونه تعرض مصون است؛ بدون انجام محاکمه - حتی محاکمه‌ای فرمایشی - از کشور تبعید کند.

«من به جرم دفاع از استقلال و وطن تبعید می‌شوم.» این نخستین جمله‌ای است که امام در حال تبعید به ترکیه و در هواپیما خطاب به یکی از مأموران همراه خود فرمودند.^۳ همان روز سید مصطفی خمینی در حالی که برای مشورت و تلاش برای آزادی امام خمینی در منزل آیت‌الله مرعشی نجفی به سر می‌برد؛ دستگیر و به زندان قزل‌قلعه تهران انتقال یافت.

◆ ادامه مبارزات در غیاب رهبر نهضت

دستگیری و تبعید امام موج خشم و نگرانی را در مجامع مذهبی کشور پدید آورد. حوزه‌های علمیه درس خود را تعطیل کردند. ائمه جماعات در شهرستان‌های مختلف در اعتراض به تبعید امام از برگزاری نماز جماعت خودداری نمودند. ملت غیور و فداکار ایران در برخی اماکن

۱. روحانی، همان، ص ۱۰۵۶ و ۱۰۵۷.

۲. نک: باقر عاقلی، روزشمار تاریخ ایران «از مشروطه تا انقلاب اسلامی»، ج ۲ (تهران: گفتار، ۱۳۷۰)، ص ۱۸۰.

۳. رجبی، همان، ص ۲۷۵.

دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. در تهران، قم و برخی دیگر از شهرستان‌ها بازار تعطیل شد. «پس از تبعید امام تا مدت‌ها جای امام معلوم نبود و در بین مردم شایعاتی مبنی بر اینکه امام را به اسرائیل یا آلمان یا ترکیه برده‌اند، وجود داشت.»^۱

حوزه علمیه قم اعلامیه‌ای در این رابطه منتشر کرد. در اصفهان نیز شبنامه‌ای توزیع شد که مردم را به تعطیل عمومی در روز ۱۶ آبان ۱۳۴۳ دعوت می‌کرد. حوزه علمیه خرم‌آباد طی نامه‌ای سرگشاده به علمای قم نگرانی خود و اهالی لرستان را از تبعید امام خمینی بیان داشتند. روحانیان بهبهانی مقیم قم با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور ترکیه مقام علمی و روحانی امام را گوشزد کردند و مسئولیت دولت آن کشور را در قبال ایشان یادآور شدند. شماری از روحانیان تهران نیز طی نامه‌ای به سفیر ترکیه در تهران، پشتیبانی خود را از امام خمینی اعلام داشتند.

به دنبال تبعید امام روزنامه‌های وابسته به دربار شروع به اهانت و هتاکی به ایشان کردند و تلاش نمودند آثار سخنان ماندگار ایشان را خنثی کنند. نمایندگان مجلس نیز برای اثبات شاهدوستی خود به بدگویی امام پرداختند و کاپیتولاسیون و دریافت وام دویست ملیون دلاری از آمریکا را از افتخارات ملت ایران برشمردند.

این اهانت‌ها نیز با واکنش سریع و توفانی مردم روبه‌رو شد. اعلامیه‌های پرباری در پاسخ به این اقدامات رژیم از سوی روحانیان و مردم صادر شد. اعلامیه آیت‌الله سید حسن قمی یکی از آن اعلامیه‌ها بود که گویای تمام جنایات رژیم، خفقان حاکم بر کشور، تبعید بی‌رحمانه و غیر قانونی امام خمینی، محدودیت‌ها و مشکلات علما، روحانیان و مردم مبارز و اوضاع نامناسب اقتصادی کشور بود. در قسمت‌هایی از اعلامیه ایشان آمده است:

ملت مسلمان ایران. همه می‌دانید که دستگاه جبار و هیئت حاکمه ایران در تعقیب جنایات چند ساله خود در این دو ماه اخیر چه جنایات و حوادث ناگوار دیگری به وجود

آورده و چه ضرباتی بر پیکر قرآن مجید و اسلام و استقلال و اقتصاد مملکت وارد آورده است. همه می‌دانید یکی از مراجع بزرگ تقلید حضرت آیت‌الله خمینی را که از حق شرعی و قانونی خود استفاده کرده و از خیانت‌های هیئت حاکمه پرده برمی‌داشت به خارج ایران تبعید کردند و این تبعید تنها به جرم دفاع معظم‌له از حریم دین و قرآن و دفاع از استقلال و عظمت مملکت، دفاع از مال و جان و نوامیس و آبروی ملت ایران، به جرم بیان حق و حقیقت و آشکار نمودن خودسری‌ها و خیانت‌های پشت پرده مسئولین امور صورت گرفته است. آیت‌الله خمینی تبعید شدند زیرا عموم ملت را از خیانت بزرگی که اولیای امور مرتکب شده بودند و می‌خواستند مستور و زیر پرده بماند آگاه ساخت. اکنون دیگر همه ملت می‌دانند که چگونه لایحه شرم‌آوری را مجلسین تحمیلی در نهایت شتابزدگی بنا به پیشنهاد دولت تصویب کرد که مستشاران نظامی امریکا در ایران محاکمه نشوند؛ یعنی در واقع هر مستشار امریکایی می‌تواند هر عمل غیر قانونی و هر جنایتی را که بخواهد در ایران انجام دهد و هیچ مقامی حق اعتراض یا محاکمه آنها را ندارد... جای بسی تعجب و تأسف است در کشوری که مراجع عالیقدر دینی که حتی به حکم قانون اساسی فوق قوه مقننه‌اند، برای بیان سخنان منطقی و قانونی خود در دفاع از حریم دین و قرآن و دفاع از حقوق این ملت بی‌پناه دارای مصونیت نباشند. در کشوری که هیچ‌گونه آزادی در حدود قانون برای طبقات بیدار و رجال علمی و افراد زنده و متفکر کشور در دفاع از حقوق دینی و قانونی خود و ملت ایران وجود ندارد؛ در چنین کشوری مجلسین تحمیلی بنا به پیشنهاد دولت به مستشاران امریکایی در برابر هر گونه جنایت و تجاوزی که اراده کنند مصونیت بدهد؛ هر چند باید گفت از دولت و نمایندگان که فرمایشی و تحمیلی باشند و با اراده ملت به وجود نیامده باشند جز این انتظار نمی‌توان داشت. مجلسینی که حتی یک بار هم در برابر تجاوزات صریح دولت نسبت به حقوق ملت مقاومت نکرد، مجلسینی که تمام نقشه‌های شوم دولت را به صورت لایحه تصویب نمود، مجلسینی که عمل دولت را در گرفتن دویست میلیون دلار وام امریکا در برابر سود بسیار سنگین با استقبال تصویب نمود؛ پس از چند روز دیگر

باز مشغول به رسیدگی به لایحه گرفتن هفتاد و شش میلیون مارک از دولت آلمان غربی گردید و بدین وسیله ملت ایران را برای سالیان دراز تا کلوگاه در زیر بار قرض‌های سنگین و سودهای کمرشکن آن قرار داد... دولت و مجلسین انتصابی گویا دست به دست یکدیگر داده و هنوز در صدد به وجود آوردن پرتگاه‌های سهمگین دیگری به منظور نابودی ملت ایران هستند. راستی جای تعجب است رفتاری که دولت و مجلسین فرمایشی نسبت به ملت مسلمان ایران می‌کنند کمتر از رفتار دولت‌های بیگانه با اسرای جنگی نیست. در این ایام سخت زمستان با وجود هزینه‌های کمرشکن زندگی و نبودن کار به حد کافی در کشور و رکود وحشت‌بار بازار و مراکز اقتصاد و خلاصه در این شرایطی که سایه شوم و فقر و بدبختی بر سر همه مردم افتاده است، در چنین موقعیت خطرناک و حساسی به جای آنکه دولت و مجلسین در صدد تأمین آسایش و رفع نگرانی‌های اقتصادی و پایین آوردن هزینه زندگی و تولید منابع درآمد برای ملت باشند روز به روز با بالا بردن کالاهایی که مورد احتیاج عموم و در اختیار آنهاست و وضع مالیات‌های سنگین دردی بر دل‌های بی‌درمان دیگر این ملت مسلمان رنج‌دیده ایران افزوده و یک قدم او را به پرتگاه سقوط و نیستی نزدیک‌تر می‌سازد... اینها همان جنایاتی که برای اجرای آنها استعمار مجبور شد آیت‌الله خمینی را به خارج کشور تبعید کند و مراجع بزرگ دینی را در منازلشان محصور و زندانی نمایند و روابط آنان را با مردم قطع سازند و خفقان در کشور ایجاد نمایند. حکومت وحشت و ترس در پناه سرنیزه و زور به وجود آمد تا شاید بتواند صدای روحانیت را خفه سازد و جلوی بیداری ملت را بگیرد... آری! اگر دست‌های ناپاک آنان به خون ملت و تجاوز به مصالح دینی و به حقوق مردم، آلوده نبود، اگر پرونده کارنامه حکومت آنها سیاه و تاریک نبود، چرا از گویندگان مذهبی و اطبای اجتماع یعنی مراجع بزرگ تقلید که زبان واقعی ملت مسلمان هستند و دردهای درونی آنان را بیان می‌کنند تا این درجه ترس و وحشت دارند تا آنجا که مراجع بزرگ را از ملت ایران دور سازند و یا در محاصره شدید نگاه دارند تا مبادا صدای آنها به ملت برسد یا آنکه مراجع دینی برای نشر مقاصد مصلحانه

خود نه رادیو در اختیار دارند و نه مجلات و روزنامه‌ها و نه وسایل طبع در اختیار آنهاست؛ ولی دستگاه جبار همه این وسایل را به طور کامل در اختیار دارد و علاوه اسلحه و تمام قوای نظامی در اختیار آنهاست. این نیست مگر ترس و وحشت از آگاه شدن ملت بر گوشه از ناپاکی‌ها و قانون‌شکنی‌ها و بیدادگری‌های آنان و از همه عجیب‌تر آنکه با این همه ناپاکی و آلودگی باز به نویسندگان مزدور و جراید جیره‌خوار خود دستور می‌دهند تا به روحانیت اهانت کنند، مسبب حوادث جانگذاز پانزده خرداد و بعضی حوادث ناگوار دیگر را روحانیت بدانند. ولی مردم مسلمان به خوبی چهره‌های حقیقی کشتارکنندگان عمومی و مسببین این حوادث را می‌شناسند. آنها و تمام عمال استعمار باید بدانند که تنها در برابر ملت ایران خائن و مجرم شناخته شده و محکوم‌اند بلکه خداوند منتقم در کمیگاه آنهاست «ان ربک لبالمرصاد» ما ضمن دعوت عموم مردم به استمداد و عرض حاجت از پیشگاه حضرت احدیت جل شأنه و توسل به مقام ولایت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف از همه طبقات انتظار داریم که با حفظ کمال آرامش و نظم از طریق قانون برای لغو این لوایح استعماری که با حیثیت و آبرو و استقلال و آزادی و اقتصاد ملت مسلمان ایران غیر قابل سازش است با تمام قوا بکوشند تا بدین وسیله حداقل وظیفه مذهبی و ملی خود را انجام و دین خود را به این کشور اسلامی ادا کرده باشند...

رژیم پهلوی در مقابل این اقدامات مبارزان بار دیگر ماهیت وحشی و دیکتاتور خود را عیان ساخت و شروع به دستگیری و حبس علما و روحانیان نمود. اقدامات رژیم باعث شد مردم به فعالیت‌های گسترده‌تری دست بزنند و بار دیگر شاه و دولت تلاش کردند با ترفندهای فریبنده از خشم عمومی بکاهند.

منصور با حضور در مجلس سنا و بیان مطالبی درباره کاپیتولاسیون سعی در آرام نمودن مردم و توجیه اقدام وطن‌فروشانه خود و شاه داشت.

... رجال معظمی که در اینجا تشریف دارید، شما با یک افکار پاک و با یک تجربه وسیع و با یک دنیا خدمت به این محل آمده‌اید و در اینجا ناظر خدمات دولت هستید و تدابیر و

راهنمایی‌ها و ارشادی که در این نه ماه دولت از مجلس سنا کسب کرده است به قدری مغتنم است که بنده در مقابل چنین مجمعی جز اظهار تشکر و اطمینان، نمی‌توانم عرض دیگری بکنم؛ ولی آنچه در خارج می‌گذرد و آنچه مغرضان و حسودان به شایعه می‌پردازند چنان‌که در یک موردی به طور مثال عرض می‌کنم نسبت به مصونیت سیاسی عده‌ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت دولت ایران هستند، چه حرف‌ها که نزدند. این واقعا برای این کشور که با این ثبات و آرامش هست به نظر بنده قدری مذبحخانه و به قدری مغرضانه است که احتیاجی به دفاع ندارد... ولی بنده در اینجا امروز به استحضار مجلس سنا می‌رسانم، با وجود اینکه این قانون از مجلسین گذشت و ابلاغ شد و دولت مجری آن است، ولی با مذاکراتی که با مقامات امریکایی به عمل آمد از طرف دولت آمریکا موافقت شد که نسبت به هر موردی که دولت ایران تشخیص بدهد که ضرورت داشته باشد، دولت آمریکا موافقت خواهد کرد که نسبت به آن فرد سلب مصونیت سیاسی بکند. در حقیقت این یک مسئله‌ای است که ما فقط نسبت به خدمتگزارانی در ارتش ایران حقوقی قائل هستیم با حق اینکه هر موقع ضروری تشخیص بدهیم این مصونیت را سلب بکنیم و دولت آمریکا این موافقت را اعلام کرده است و بنده امروز در مجلس سنا با اعلام آن احساس افتخار می‌کنم تا دیگر وسیله به دست حسودان و بدبینان داده نشود...^۱

در شرایطی که حسنعلی منصور با وعده‌های دروغین - موافقت دولت آمریکا با سلب مصونیت سیاسی برخی اتباع امریکایی در صورت تشخیص دولت ایران - سعی در آرام نمودن اوضاع داشت، سید مصطفی خمینی از زندان آزاد گردید تا این امید در مردم پدید آید که کاپیتولاسیون لغو شده است و امام خمینی به کشور بازمی‌گردد.

سید مصطفی خمینی پس از گذراندن ۵۷ روز در زندان، ۸ دی ۱۳۴۳ از زندان آزاد و رهسپار قم گشت. پیش از آزادی سرهنگ مولوی - رئیس ساواک تهران - نزد وی آمده و

۱. نک: روحانی، همان، ص ۱۰۹۵ و ۱۰۹۶.

پیشنهاد داد که اگر بخواهد می‌تواند به ترکیه نزد امام برود. حاج آقا مصطفی که نگران وضعیت پدرش بود با این پیشنهاد موافقت کرد؛ ولی پس از مشورت با اساتید و فضیای حوزه علمیه قم از این موضوع منصرف شد.

سرهنگ مولوی و چند تن دیگر با وی تماس گرفتند و خواستار خروج ایشان از کشور شدند. به دنبال پافشاری وی برای حضور در کشور در ۱۳ دی ۴۳، رئیس ساواک قم به همراه عده‌ای از مأموران به منزل امام خمینی یورش بردند و حاج آقا مصطفی را دستگیر و روانه تهران کردند و در روز ۱۴ دی وی را به استانبول اعزام و سپس به بورسا تبعید کردند؛ تبعیدی که هرگز پایانی نداشت.

چند روز پیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، مجلسی از طرف فضلا و اساتید عالی‌مقام حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ترتیب یافت و آقایان منتظری و مشکینی و بعضی دیگر از اساتید حوزه، طی سخنانی محصلان اسلامی و عموم روحانیان مبارز را که به منظور تبلیغ و ارشاد، عازم مسافرت به اطراف و اکناف کشور بودند، به وظایف اسلامی و ملی آنان آشنا ساختند و در مورد برملا کردن جنایات و خیانت‌ها و قانون‌شکنی‌های هیئت حاکمه، خطر خانمانسوز «اسرائیل» و توطئه‌های پشت پرده رژیم علیه اسلام و ایران و شرح و توضیح و تفسیر منویات و اهداف امام، به آنان رهنمود دادند.^۱

با فرا رسیدن ماه رمضان روحانیان پیرو امام تصمیم گرفتند در منابر حمایت خود را از امام بیان کنند و توطئه‌های پشت پرده رژیم را افشا نمایند. شاه دستور داد مسئولان در تمامی شهرها برای روحانیان و وعاظ محدودیت ایجاد کنند و آنان را تحت فشار قرار دهند که درباره تبعید امام خمینی، کاپیتولاسیون، اسرائیل، بهائیت و ... صحبت ننمایند. در یکی از بخشنامه‌های شهربانی در این رابطه آمده است:

به فرموده تیمسار ریاست شهربانی کل کشور مقرر است که به رؤسای کلانتری‌های

مربوطه اکیدا ابلاغ شود که بایستی توجه داشته باشند در مساجد و تکایا و منازل حوزه استحفاظی خود هیچ فردی از وعاظ و آخوندها حق ندارند روی منبر در موارد مشروحه زیر صحبت و مطالبی را بیان نمایند:

۱. هر گونه صحبتی درباره آقای خمینی
 ۲. صحبت درباره لایحه مصونیت مستشاران امریکایی
 ۳. در مورد آزادی سران نهضت آزادی ایران
 ۴. انتقاد از برنامه‌های اصلاحی دولت
 ۵. در مورد گرانی نرخ نفت و بنزین
- ضمنا چنانچه اطلاع حاصل شود که چنین مطالبی گفته شده است، رئیس کلانتری مربوطه مسئول و شدیداً تنبیه خواهند شد.
- ضمناً ریاست معظم شهربانی نیز مقرر فرمودند: «به سرکلانتری ابلاغ نمایید رؤسای کلانتری‌ها قبلاً از تشکیل مجالس، اطلاع حاصل و تذکرات لازم را به صاحبان مجالس بدهند و چنانچه واعظی مشکوک باشد از رفتن او به منبر جلوگیری شود.»
- دستور فرمایند نتیجه اقدامات را مرتباً گزارش نمایید تا به عرض برسد.



به دنبال سخنرانی‌های افشاگرانه روحانیان و وعاظ، جمعی از آنان از جمله شیخ محمدجواد حجتی کرمانی، شیخ علی‌اصغر مروارید، شیخ فضل‌الله محلاتی، شیخ غلامحسین جعفری، شیخ

جعفر جوادی شجونی، شیخ مهدی ربانی املشی، سید قاسم شجاعی، سید کاظم قریشی، فرج‌الله واعظی، مقدسیان، کافی خراسانی، موحدی و ... دستگیر و زندانی شدند.

خیانت‌های حسنعلی منصور در جریان کاپیتولاسیون، تبعید غیر قانونی امام خمینی و بی‌اعتنایی رژیم به خواسته‌های طبیعی ملت ایران زمینه ترور منصور را فراهم آورد.

سید کاظم قریشی از جمله روحانیانی بود که به جرم سخنرانی در اعتراض به کاپیتولاسیون دستگیر و روانه زندان قزل‌قلعه شد. وی در بازجویی با شجاعت

از اعتقادات خود دفاع نمود و اظهار داشت در سخنرانی‌هایش از مصونیت مستشاران امریکایی و تبعید امام خمینی انتقاد کرده است. با مطالعه خاطرات برخی هم‌زمان مرحوم قریشی می‌توان دریافت که وی و سایر زندانیان هم‌جرمش در ابتدا دورانی آرام در زندان قزل‌قلعه سپری کردند.

مرحوم آیت‌الله سید کاظم قریشی از طلاب خوب و انقلابی خمین بود و من در قم ایشان را می‌شناختم و کم و بیش با یکدیگر ارتباط داشتیم. ولی ارتباط ما زمانی بیشتر و گسترده‌تر شد که هم من و هم ایشان را در رمضان ۱۳۴۳ دستگیر و به تهران منتقل کردند... ارتباط نزدیک‌تر ما با یکدیگر از همان زمان آغاز شد و چند ماهی در زندان در کنار هم بودیم... البته مسئله خاصی مثل شکنجه و آزارهای جسمی برای اشخاصی که در فعالیت‌های سیاسی صرفاً به جنبه تبلیغی می‌پرداختند، وجود نداشت. آزادی مرحوم قریشی هم از زندان، کمی دیرتر از ما صورت گرفت. شاید یک ماهی دیرتر از ما آزاد

شد.^۱

به دنبال ترور حسنعلی منصور و دستگیری متهمان قتل وی و روی کار آمدن نصیری به جای پاکروان به عنوان رئیس ساواک، اوضاع زندان تغییر کرد و شکنجه جایگزین آرامش زندان قزلقلعه گردید.

خصوصت‌های امریکا با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شدت یافت. دولتمردان امریکا که پیش از پیروزی انقلاب برای برپا نگاه داشتن رژیم شاه تلاش می‌کردند؛ از این پس برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی می‌کوشیدند.

... وقتی منصور را کشتند نصیری روی کار آمد. از روزی که نصیری آمد شکنجه شروع شد، حتی زندان‌های انفرادی قبل از این درش

باز بود - و گاهی می‌آمدند از عمومی با ما تماس می‌گرفتند - اما به مجردی که او آمد در سلول‌ها را قفل کردند و سلول‌های انفرادی درش بسته شد و از همان شب شکنجه شروع شد. یادم هست همان شب دو نفر را بردند، که از چپی‌ها بودند؛ بازوهایشان را از قفل و بند بیرون می‌آوردند و می‌شکستند، که از آنان اقرار بگیرند، بعد دو مرتبه می‌آمدند بازوی آنها را جا می‌انداختند. جنایات عجیبی کردند، برای خاطر اینکه می‌خواستند شکنجه بدهند.^۲

سید کاظم قریشی در شرایطی از زندان آزاد شد که جسم وی بر اثر بیماری و شکنجه کاملاً تحلیل رفته بود و مدتی بعد درگذشت. وی یکی از قربانیان احیای کاپیتولاسیون در ایران بود.

۱. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، ج ۲، ص ۵۰ و ۵۱.

۲. خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، ص ۶۹ و ۷۰.

نامه سرگشاده حجج اسلام و فضلاء تهران به آقای هویدا

اول ذی‌قعدة ۱۳۸۴ - ۱۳۴۳۱۲۰۱۴

بسمه تعالی

رونوشت دیوان عالی کشور - رونوشت روزنامه اطلاعات

جناب آقای هویدا نخست‌وزیر

عظمت و استقلال ایران و ایرانی در پرتو اجرای قانون اساسی کشور و خصوصاً قوانین قرآن است. روحانیت شیعه و مراجع تقلید هم هدفی جز اجرای قانون ندارند و مرجع بزرگ تقلید حضرت آیه الله العظمی خمینی دامت برکاته با استفاده از مصونیت قانونی مخالفت خود را با تصویب نامه‌های ضد دینی و دولتهای قبلی اظهار مینمودند متأسفانه بهمین جرم یعنی دفاع از حریم مقدس قرآن و آزادی هم اکنون در کشور ترکیه در حال تمیید بسر میبرند و مسلمانان جهان نگران و در انتظار مظلوم با بی‌سبیری هر چه بیشتر دقیقه‌شماری میکنند

امید است دولت کنونی با رعایت قوانین اسلام و اصول آزادی و با ارجاع آن مرجع عالیقدر به حوزه علمیه قم و آزادی زندانیان بی‌گناه بالخصوص علماء و مبلغین اسلامی عملیات گذشته را جبران نموده و علاقه خود را به حفظ حقوق مسلمین و آزادیخواهی اعلام دارد

الاحقر محمد الشاه آبادی عفی عنه - محمد حسین مسجدجامعی - محمد صادق تهرانی - مهدی الحائری - محمد رضا علوی - الاحقر محمد الراجزی - رضا ساعد - علی تهرانی بهلوانی - سید عبدالله جعفری تهرانی - المبدع حسن البخراسانی - ضیاء الدین حسینی الاکوری سید عماد الدین شهرستانی - قاسم تهرانی - علی اسنر طاهری - محمود شمس - سید احمد نجفی - سید اصغر هاشمی سیده حسن کسائی - هادی رفیعا - رضا استادی - سید عبدالشامیری - حبیب‌اله مرزوقی شمیرانی - عبدالملکی رفیعا - حسن منفرد - سید احمد قاضوی - غلامرضا زندی - سیده محمد صادق زیارتی - سید جعفر قاضوی - سید محمود سجادی - غلامحسین حقانی - داود تهرانی - عیدالحسین معزی - علی اکبر ناطق - مسیح مسجدجامعی - سید ضیاء الدین مجد - احمد الموسوی الکلاتر - مهدی غفاری هلی روحانی - محمد حسین نعمتی - حسین کبیر تهرانی - سید رسول موسوی - سید اصغر مجد - سیده مصطفی شاکری - سید علی اکبر محتمشی - حسین اوسطی - محسن زندیه - محمد رضا ناصری احمد مومنی - محمد رضا کیلی - اکبر علیان - سید احمد زاهدی قدوسی - مهدی جباری - حسن علیان - محمد نبی نوری - سید حسین رضوی - ضیاء الدین مسجدجامعی - سید محمد کاظم ارفع محمد خندق آبادی

۰۰۰۱۸۵۷۹

اعلامیه مرجع مجاهد حضرت آیه الله آقای قمی مد ظله العالی

بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد

هر کشور و ملتی که مطابق اینگونه مصوبات مجلسین با هویت حاکمه ایران معاملات بازرگانی و با تهوداتی انجام دهند مردم مسلمان ایران آنها را متجاوز بحق خود می‌شناسند دولت و مجلسین انتصابی گویا دست بدست یکدیگر داد و هنوز در سدد وجود آوردن پرتکاهای سهمگین دیگری به منظور نابودی ملت ایران هستند راستی جای تمجیسات رفتاریکه دولت و مجلسین فرمایشی نسبت به ملت مسلمان ایران میکنند کمتر از رفتار دوزخانی بیگانه با امرای جنگ نیست در این ایام سخت زمستان با وجود هزینه‌های کمر شکن زندگی و نبودن کار بعدگانی در کشور و درگذر وحشت بار بار و مراکز اقتصاد و خلاصه در این شرایطی که سایه نوم و فقر و بدبختی بر سر همه مردم افتاده است در چنین موقعیت خطرناک و حساسی جای آنکه دولت و مجلسین در سدد تأمین آسایش و رفح نمایانند ایام اقتصادی و پائین آوردن هزینه زندگی و تولید منابع درآمد برای ملت باشند روز بروز با بالا بردن کالاهایکی مورد احتیاج عموم و در اختیار آنهاست و بون مع های سنگین ردی بردهای بی‌درمان دیگر این ملت مسلمان دروغ دیده ایران افزوده و یکدم اورا بر پرنگاه سرتو و نیستن نزدیکتر میسازد آری اینها و مشابه اینها از لطافت بازرگانه به مصالح دینی و دنیوی این ملت وارد آورده اند حتای تلخی است که عیبت حساسه از آگاهی ملت از آنها سخت بوحشت افتاده و حقایق ناگوار است که هر فرد مسلمان ایرانی با شنیدن آنها باید بیخود بلند اینها همان جنایاتی که برای اجرای آنها استوار مجبورند آیه الله خمینی را بخارج کشور تبعید کنند و مراجع بزرگ دینی را در منازلشان محصور و زندانی نمایند و در ابد آنها را با مردم قتل سازند و حقتان در کشور ایجاد نمایند . حکومت وحشت و ترس در پناه سر نیزه و زور بر خود آورد تا شاید از آن صدای روحانیت را خفه سازد و جلوی بیاداری ملت را بگیرد کشور را در حال سکوت و حقتان مریکایی بنهدار . صورتیکه این حقتان هرگز در پناه حکومت سر نیزه خود بهترین دلیل و اعتبار افاضات بر تجاوز و ستمگری و قانون شکنی و خیانت آنان آری اگر دستهای ناک آسان بخون ملت متجاوز و به مصالح دینی و بخون مردم آلوده نبود اگر پرورنده کارنامه حکومت آتشیاب و تارکین نبود چرا او گویندگان ذهنی و اعلیای اجتماع یعنی مراجع بزرگ تقلید که زبان و لحنی ملت مسلمان هستند در دعای درونی آنها سراسر بیان میکنند تا اینده جز عریض و وحشت دارند تا آنجا که مراجع بزرگ را از ملت ایران دور سازند و با درجه جاسوس شریف نگاه دارند تا ما را با صدای آنها بگفتند پس بد آنکه مراجع دینی برای شرمناکانه مسلمانان خود نبراد و در اختیار دارند و نه به جلاست و روزنامه و مائیل مطبع در اختیار آنهاست ولی دستکام چنان همه اینها مسائل را بطور کامل در اختیار دارد علاوه اسلحه و تمام قوای نظامی در اختیار آنهاست این نیست مگر ترس و وحشت از آگاه شدن ملت بر گوشه از با با کربا و قانون شکنیها و بیادگری های آنان و از همه عجیب تر آنکه با اینهمه ناپاکی و آلودگی بسیار بزیستگاران مزدور و جاسوس جبر خوار خود دستور میدهند تا بر وفای آنهاست کنند مسبب حوادث جانکدار این زنده خرداد و بستی حوادث ناگوار دیگر را بر وجایت بدانند ولی مردم مسلمان بخون چهره های حقینی کشتار کنندگان عموماً به سبب اینجند است راعی شناسند آنها و تمام اعمال استعمار یابود بدانند که تیار در برابر ملت ایران خائن و مجرم شناخته شده و محکومند بلکه خداوند منتقم در کمیگاه آنهاست (ان ربك لبالمرصاد) ما ضمن دعوت عموم مردم با سدد ادو عریض حاجت از بیستگاه حضرت احدیت جل شان و توسل بتمام ولایت حضرت ولی امر ارواحنا فداه و جعل اله تمانی فرجه الشریف از همه طبقات اشقار داریم که با حفظ کمال آرامش و نظم از طریق فریق قانون برای لغو این اوضاع استعمار بر آگاه با حیثیت و آسرو و استقلال و آزادی اقتصاد ملت مسلمان ایران غیر قابل سازش است با نام تو بگویند تا بدین وسیله حد اقل وظیفه مذهبی و ملی خود را انجام و دین خود را باین کشور اسلامی ادا کرده باشند

الی الله اشکو و منه اسئل و علیه اتوکل و ما توفیقی الی الله و هو حسبی و نعم الوکیل مشهد مقدس شهر شبان المنظم ۱۳۸۷ حسن فاطمائی قمی

ملت مسلمانان ایران همه میدانند که دستگام چهار هویت حاکمه ایران در تقیبت نیابت چند ساله خود در این دوام اخیر چه جنایات و حوادث ناگوار دیگری بوجود آورده و چه شرابانی بر پرنگتر آن مجید و اسلام و استقلال و اقتصاد مملکت وارد آورده است همه میدانند یکی از مراجع بزرگ تقلید حضرت آیه الله خمینی را که از حق شرعی و قانونی خود استغفاره کرده و از خیانتهای عیبت حاکمه پرده بر میداشت بخارج ایران تبعید کرده و این تبعیدتها بجزم دفاع مظلله از حریم دین و قرآن و دفاع از استقلال و عظمت مملکت دفاع از مال و جان و نوایس و آبروی ملت ایران بجزم بیان حق و حقیقت و آشکار نمودن خود سرها و غیبتهای پشت پرده مسئولان مورد صورت گرفتار است آیه الله خمینی تبعید شده زبر عموم ملت را از خیانت بزرگی که او ایام امور متکب شده بودند و بیخواستند مستور و پیرده بماند آگاه ساخت اکنون دیگر همه ملت میدانند که چگونه لایحه شرم آورده را مجلسین تجملی در نهایت تناه بپشت نهاد دولت تصویب کرد که مستشاران نظامی امریکا در ایران ممانعت کردند یعنی در واقع هر مستشار امریکایی بتواند هر عمل غیر قانونی و هر جنایتی را که بخواهد در ایران انجام دهد و هیچ مقامی حواشی از این پامحا که آنها را ندارد مستشاران خارجی امریکا طبق این لایحه نتکین نمیتوانند بهر یک از مشتمات مذهبی و ملی مسا جاسارت کنند و بهر یک از مراجع دینی و مقامات کشوری و لشگری امانت نمایند بنوامیس مسردم عتک و تجاوز نمایند و هیچکس حق جلوگیری ندارد تصویب این لایحه نتکین را که موجب سرافکنندگی ملت ایران حتی در مقابل انانهای نیمه وحشی است از وکلای انتصابی خواست و آنها نیز با کمال بی شرمی و وفاحت آنرا تصویب نمودند نمایندگانیکه پس از گذشتن مدتی از تصویب این لایحه بنا با اعتراض خودشان تازه و با هیئت سفید و انضامی که مخصوصی فدایه آن لایحه در مجلسین ترویج دارند تکرار کردند و گفتند ما در موقع طرح آن لایحه خسته و کوفته بودیم آیا سزاوارست و کلاسیکه اعدام کنند برای خدمت بوطن و ملت گرام برده اند لایحه را که نمیتوانند چیست و چه عواقب شوم و نکبت بار برای پر درار تصویب کنند و با اینهمه نه تنها بیگانگان اجازه تجاوز بحقون ملت مسلمان ایران را دارند و او اینها شتم و تفرقه در بدتر مردم را نسبت به دولت امریکا بر اکتفا دارند بلکه در عیبت سدد و تقیبت امارت ملت مسلمان ایران را تصویب و امضا کردند و اگر کوچکتر مسلمانان در آن میدیدند اینقدر مخفی نمیکردند و ملت را از این تصمیم باخبر میساختند و اینقدر آوار بجز بسته خود منصور اعتراف کرده و اگر دائره مصونیت بیش از این توسعه داشته باشد عواقب شوم آن بیشتر و جرمیت و خیانت آنان بالاتر است . جای بسی تمجیب و تاسف است در کشوریکه مراجع عالی قدر دینی که حتی بجهت قانون اساسی قوی قوه مقننه اند برای بیان سخنان متعلقه و قانونی خود در دفاع از حریم دین و قرآن و دفاع از حقوق این ملت بی پناه دارای مصونیت نباشند در کشوری که هیچ گونه آزادی در حدود قانون برای طبقات پیدار و در جل علمی وافر از ندهد و تفکر کشور در دفاع از حقوق دین و قانونی خود ممانعت ایران وجود ندارد در چنین کشوری مجلسین تجملی بنا به پیشنهاد دولت به مستشاران امریکایی در برابر هر گونه جنایت و تجاوز بیکه اراده کنند مصونیت بدهد هر چند باید گفت از دولت و نمایندگانیکه فرمایشی و تجملی باشند و با اراده ملت بوجود نیامده باشند جز این انتظار نمیتوان داشت مجلسینی که حتی یکبار هم در برابر تجاوزات سریع دولت نسبت به حقوق ملت مقاومت نکرد و مجلسینی که تمام نشه های شوم دولت را بصورت لایحه تصویب نمود مجلسینی که عمل دولت را در گرفتن دو سده میلیون دلار وام امریکا در برابر سرود بسیار سنگین با استقبال تصویب نمود پس از چند روز دیگر باز مشغول بر سریدگی لایحه گرفتن معناد و وطن میلیون مارک از دولت آلمان غربی گردید و بدین وسیله ملت ایران را برای سالها در از ناکلو گام در زبر بار قرضهای سنگین و سودهای کمر شکن آن قرار داد مردم دنیا باید بدانند که این چنین مجلسین نه تنها مورد حمایت ملت نیست و اینگونه مصوبات و اوضاع آن از نظر مردم ایران از درجه ارزش و اعتبار ساقط است بلکه

◆ ترور حسنعلی منصور؛ عکس‌العمل قهرآمیز ملت

وقتی یک نظام سیاسی و نهادهای آن چنان منزوی، نامشروع، بی‌ثبات و ناکارا شود که برای حفظ نظم به استفاده از زور و تهدید و ابزارهایی از این‌گونه متوسل گردد، شرایط بسیار مخاطره‌آمیز خواهد بود؛ چون در چنین وضعیتی، به کار بردن خشونت و به ویژه ترور از سوی افراد، احزاب و گروه‌ها موجه جلوه خواهد کرد. استفاده از اسلحه و ترور از سوی مخالفان، رابطه مستقیم با خشونت قانونی دارد.

یکی از گروه‌هایی که در پی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اقدامات انقلابی خود را آغاز کرد جمعیت مؤتلفه اسلامی بود. اعضای اصلی این سازمان صادق امانی، محمد بخارایی، مرتضی نیک‌نژاد و رضا صفار هرندی بودند. اعضای این گروه با اهدافی مشخص و با الهام از ایدئولوژی اسلامی به اقدام مسلحانه دست زدند. خیانت‌های حسنعلی منصور در جریان کاپیتولاسیون، تبعید غیر قانونی امام خمینی و بی‌اعتنایی رژیم به خواسته‌های طبیعی ملت ایران زمینه ترور منصور را فراهم آورد. حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت ایران، سه ماه پس از به تصویب رساندن لایحه کاپیتولاسیون در روز اول بهمن ۱۳۴۳، به ضرب گلوله بخارایی در مقابل مجلس به قتل رسید.

هیئت‌های مؤتلفه اسلامی برای اعدام انقلابی حسنعلی منصور و دیگر مقامات دولتی از سید هادی میلانی مجوز گرفتند. در عملیات ترور حسنعلی منصور بخارایی، نیک‌نژاد و صفار هرندی حضور داشتند.

ترور منصور واکنش مناسبی نسبت به تبعید امام بود. رژیم امام را تبعید کرده بود بدون اینکه اجازه عکس‌العملی عمومی مانند پانزده خرداد را به مردم بدهد؛ ولی این ضربه می‌توانست تا اندازه‌ای تأثیر بگذارد. تنها کشتن منصور هم نبود، بلکه برنامه

آنان این بود که عده‌ای از سران را ترور کنند، هر چند به شاه دسترسی نداشتند.^۱

اعضای گروه به سرعت دستگیر و محاکمه شدند. چهار تن از اعضای گروه به نام‌های محمد بخارایی، رضا صفار هرندی، مرتضی نیک‌نژاد و صادق امانی به اعدام، شش تن از اعضا به اسامی مهدی عراقی، هاشم امانی، حبیب‌الله عسگراولادی، عباس مدرسی‌فر، ابوالفضل حیدری و محمدتقی کلافچی به حبس ابد با اعمال شاقه و محی‌الدین انواری، احمد شهاب و حمید ایپچی به ترتیب به پانزده، ده و پنج سال زندان محکوم شدند.

کسانی که حسنعلی منصور را ترور کردند، جوانانی کاملاً مذهبی بودند و بر اساس عرق دینی به این کار اقدام کردند. رابطین هیئت مؤتلفه با مراجع و به خصوص امام؛ آقایان مرحوم شهید بهشتی، شهید مطهری، آقای هاشمی رفسنجانی و آقای انواری بودند. آقای انواری مدت دوازده سال به اتهام اینکه رابطه فتوای ترور بوده و فتوا را گرفته است، در زندان بود... افرادی که منصور را ترور کردند می‌خواستند با حذف بزرگترین مهره دستگاه به دربار لطمه بزنند و هشدار بدهند.^۲

روز ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ حکم صادره درباره آنها اجرا گردید. حسنعلی منصور، با پشت‌گرمی به قدرت شاه، در حالی که با بحران شدید اقتصادی و سیاسی در کشور دست به گریبان بود، مدت یازده ماه حکومت کرد. بهای چند کالای اساسی، از جمله بنزین را بالا برد و مردم را بیش از پیش ناراضی کرد. پس از مرگ منصور، امیرعباس هویدا نخست وزیر شد. به دستور شاه، سرلشگر حسن پاکروان از ریاست سازمان امنیت برکنار گردید و سرلشگر نعمت‌الله نصیری جای او را گرفت. انتصاب نصیری در رأس سازمان امنیت خاطره خوشونت و بیدادگری‌های دوران بختیار را، در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تجدید کرد. دوران نصیری، ساختار تشکیلاتی ساواک توسعه یافت و به صورت دستگاه پلیسی مخوف و بدنامی در سراسر جهان شناخته شد. سرلشگر محسن مبصر، به جای نصیری، که او نیز

۱. خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی، ج ۲، ص ۲۳.

۲. خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، ص ۲۹۰.

سال‌ها در رکن دوم ارتش خدمت کرده بود و در امور پلیسی کارکشته شده بود، در رأس شهربانی کل کشور قرار گرفت. سرهنگ عبدالعظیم ولیان، افسر رکن دوم، با سابقه خدمت در ساواک، مجری برنامه اصلاحات ارضی گردید.

بی‌شک موضع‌گیری امام خمینی در برابر مصوبه مجلس (کاپیتولاسیون) و در پی آن تبعید ایشان، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران است. تبعید امام به ترکیه و سپس به عراق، که برای جلوگیری از تداوم نهضت انجام گرفت؛ نه تنها موجب انسداد و تداوم حرکت نشد، بلکه فرصت‌سازی امام در شرایط غیر سیاسی حاکم بر حوزه نجف، باعث شد جبهه نوینی علیه حاکمیت استبدادی و استعماری در ایران فراهم گردد و از طریق ارتباط با عناصر برجسته انقلابی، نهضت به صورت بنیانی ادامه فعالیت دهد و حکومت پهلوی را تا سقوط و برقراری حکومت اسلامی هدایت کند.

کاپیتولاسیون سرانجام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸، توسط نظام جمهوری اسلامی ایران رسماً لغو گردید. در بیانیه منتشره از سوی وزارت خارجه درباره لغو این قرارداد چنین آمده بود:

به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و تصویب شورای انقلاب اسلامی، قانون و مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی امریکا در ایران از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۵۸/۲/۲۳ لغو شد.^۱

خصوصیت‌های امریکا با ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی شدت یافت. دولتمردان امریکا که پیش از پیروزی انقلاب برای بر پا نگاه داشتن رژیم شاه تلاش می‌کردند؛ از این پس برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی می‌کوشیدند. واقعه طبس و کودتای نوزدهم توطئه‌های امریکا در این دوره هستند. نقش سفارتخانه امریکا پس از انقلاب اسلامی بیشتر در جهت

هماهنگی توطئه‌ها و بعضاً طرح‌ریزی آنان ایفا شده است. اسناد به دست آمده از این سفارتخانه حاکی است که کلیه جریان‌های ضد انقلاب به نوعی با این سفارتخانه در ارتباط‌اند. جریان‌های جدایی‌طلب کردستان، بندر ترکمن و عوامل محرک جریان‌های آذربایجان، نیروهای مارکسیست و حزب توده و... همگی به گونه‌ای در ارتباط با این مرکز فساد بوده‌اند. این مکان مرکز جذب و پرورش و خط‌دهی منافقین داخلی نیز بوده است.

مداخله و حضور سفارتخانه در طراحی واقعه طبس و هماهنگی با مزدوران داخلی این واقعه از جمله بنی‌صدر و قطب‌زاده و اهمیت آن در طراحی کودتای نوژه در اسناد به دست آمده از آن افشا شده است.

دستگاه خبری غرب نیز از جمله ابزارهایی است که در سی سال گذشته، از آن در جهت سرنگونی نظام جمهوری اسلامی استفاده شده است. تخریب اندیشه امام خمینی و معرفی ایشان و انقلاب اسلامی به عنوان خطری برای صلح جهانی نیز از سایر سیاست‌ها بوده است. پناه دادن به عناصر فراری از جمله شاه‌خائن و حمایت بی‌شائبه از آنان که نه اصول اخلاقی و نه قوانین بین‌المللی آن را تأیید می‌کند از سایر اقداماتی است که توسط امریکایی‌ها در طول سال‌های پس از انقلاب انجام شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی